

تأثیر تشیع بر اماکن و زیارتگاه های ایران



اشاره:

شیعه به متابعت از سیره رسول الله (صلی الله علیه و آله) و در نظر گرفتن تقدس اماکن دینی و مذهبی، بنیانگذار زیباترین ابنیه ویژه نیایش و عبادت در جهان اسلام است. هر چند صرف عبادت به درگاه پروردگار در پایه گذاری این مکان هدف اصلی بوده، اما جنبه های اجتماعی و رویارویی مردم و همدلی و چهره به چهره شدن و جامعه شناسی تعاون و همیاری [۱] و همفکری در انجام فرایض دینی و رعایت تشریفات مذهبی نیز مد نظر بوده اند. این مقاله در این موضوع مطالبی را ارائه داده است.

ژرژگوریچ، [۲] جامعه شناس فرانسوی، می گوید: «هنگامی که تشریفات اجتماعی رو به زوال می گذارند، فضای آن تشریفات نیز رنگ می بازد.»

فضای الهی و نظر کرده این اماکن همیشه ایام روح بخش و دلنواز بوده است. به فرمان الهی و اطاعت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر گرامی، نخستین مسجد در مدینه النبی ساخته شد، اما اهل تشیع از همان روز، با توجه به دل سپاری به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام)، سعی کردند هم در مسجد حضور یابند و گوش به موعظه های واعظان و نطقان بسپارند و - به اصطلاح - به دین و روش مسجد احترام بگذارند و هم با توجه به قداست آرامگاه و مشهد اولیاء الله، دریچه ای به سوی عبادت بگشایند و آیین عبادت در مسجد و

زیارت در امام زاده ها و مرقد مطهر امامان را از نظر دور نسازند و تشریفات اجتماعی — عبادی را پر رونق نمایند.

ایرانیان در این طریق، الحق که سنگ تمام گذاشته اند. ایرانی پیرو تشیع، گویی در زیارت کعبه، زادگاه امام همام علی بن ابی طالب (علیه السلام) و مذبح ذبیح کربلا، اسمعیل دشت نینوا، را به یاد آورده، گریزی به مصایب اولیا می زند. ستایش و نیایش اهل تشیع ضمن برگزاری مناسک حج دیدنی است. مساجد شیعه مناظری از روضه خلد برین را مجسم می سازند و تربت شهدا همیشه ایام عطر آگین، و صحن و سرای امام زاده ها پیچیده در گل بانگ های ایمان، همواره معطرند، و سقاخانه ها که وقف سقای لب تشنگان حضرت عباس (علیه السلام) اند، همواره منور، و آب انبارها به وقف، سیراب کننده مردم عطشان، و بقاع متبرکه محل عبادت مؤمنان جان شیفته، و حسینیه ها و زینبیه ها و عباسیه ها و مهدیه ها یاد آور حشمت و عظمت اولیا و اهل بیت، و تکایا محل تجمع ذاکران و واعظان و خطیبان، و مکتب خانه ها هماغوش عطر گل محمدی و قدمگاه ها نظر کرده، و خانقاه ها ویژه سرسپاران مولی الموحدین، حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) ابوتراب، و ضریح اولیا و امام زاده ها مزین و منور به گل دانه های کلامی و اشعار دلنشین و همه یاد آور شکوه و بزرگواری اولیاء الله اند و حتی سیاه چادرها و آلاچیق های عشایری — این کوچندگان ساده دل — با عَلم سیاه بر بالای خیمه ها یا گوشه ای از میدانگاه جلوی آلاچیق ها — این اماکن تابستانی — آراسته به کتیبه هایند و خیمه دوزان برای شبیه سازی در ایام عزاء، به تار و پود برگرفته از ریشه جان و تن، خیمه های زربفت بافته و کلمه «وقف» را در گوشه ای از این خیمه ها و علم ها و بیرق ها و بیدق ها و پرچم ها نشانده اند. اهل تشیع با وقوف کامل از دارالاماره و دارالظلم و بیت الحزن و ماتم کده و عزاخانه و ماتم سرا توانسته اند در سرزمین قدسی مثال ایران، عرش و فرش و شهادتگاه را بازسازی نمایند و در صحنه آرایشی نمایش شیعی و مذهبی تعزیه، جوهر جان صرف کرده اند. گویی بند بند دستورات اولیای الهی را در ساختن و برپا داشتن این بناها در نظر گرفته اند. زائر سراها در کنار امام زاده ها — وقف زوار شیدا و بازارهای شهر و بازارهای موقت روزانه در روستاها در کنار این زائر سراها و نیایشگاه ها برپا شده اند و معماران با وضوی مهر در آراستن صورتی این اماکن و ابنیه و در نظر گرفتن ابعاد معنوی و رمزی دقت فراوان به عمل آورده اند. کمتر بنای مقدسی سراغ داریم که گنبد زرنشان یا گل دسته های آراسته به کاشی های زیبا را از دور دستها — از این مکان های پیرصفا — به رف چینی خانه چشم نیاورد. مردم عاشق اولیا هنوز هم وقتی به سرپرستی بلد راه (در زمان گذشته، توسط چاووشان) به نزدیک ترین نقطه قابل رؤیت این گنبد ها و مناره ها می رسند، به عنوان مژدگانی،

به بلد راه، گنبد نما هدیه می دهند. کاشی های بخش بیرونی این ابنیه، منقش به نقش عشق و ایمان شیعیان نسبت به اهل بیت (علیه السلام) هستند و آئینه کاری های درون ساختمان ها دیدگان زائران را منور می سازند. هنوز هم چاووشان به صوت جلی در سفر های زیارتی از قداست و حرمت این صحن و سراها یاد می کنند.

مسجد

... و خداوند را عبادت می کنیم به خاطر رحمت واسعه او، و سر بر سجده می نهیم به حرمت حقانیت حق، و مساجد را مطهر می سازیم به پاس رعایت تنظیف و نظافت در این جایگاه ها و ... پس ای خدا در سجده های ما! حضرت بی مثال! تو ربی الاعلی هستی. حمد تو را بجا می آوریم و در سبحان ربی العظیم تو را از هر عیبی منزه می دانیم و سپس فریاد بر می داریم که: «سمع الله لمن حمده» «پس تو را ستایش می کنیم که آگاه از حمد و نیایش ما هستی. در ایران زمین، از روزگار پارو پیرار، حرمت نیایشگاه در نظر گرفته شده و سرسپردگان به آیین تشیع در سجده گاه های خود، همواره در کنار اعمال عبادی، جنبه های زیبایی شناختی محل عبادت و آداب زیارت را رعایت کرده اند. در روند شکل گیری شهرها، مراکز مذهبی جایگاه خاصی داشته و نیایشگاه ها در شهر ها و روستاها، در دل آبادی جای گرفته اند.

رسول الله — صلی الله علیه و آله — در مدینه النبی با معماری ویژه اسلامی و به موهبت الهی، مسجدی زیبا بنیان نهاد و شاید کمتر از نیم سده از تاریخ بنای این مسجد نگذشته بود که یک ایرانی نو مسلمان و مؤمن در «پهره» یا «فهرج» (= یکی از چهار شهر آن روز یزد) با بهره گیری از ذوق و شوق همیاران و گرویدگان به آیین رسول الله (صلی الله علیه و آله)، خدا خانه ای برای همشهریان خود بنیاد کرد که خوشبختانه تاکنون از آسیب ویرانی و دست کاری بر کنار مانده است.

اما آنچه در تأثیر تشیع در معماری مساجد فرا می گیریم، به کارگیری عناصر و عوامل مؤثر در شکل گیری مذهب تشیع است. شیعیان ایرانی برای نماز و نیایش، هرگز محراب خونین شهید محراب علی بن ابی طالب (علیه السلام) عاشق بی ریا و از سر بی خبر حضرت الله به عشق آفریننده جان ها — را فراموش نکرده اند و در حک و نقش و نقر، بعد از ذکر نام الله و پیامبرش رسول الله (صلی الله علیه و آله)، نام اولیاء الله را بر روی محراب ها باز نوشته و در چرخاندن رخ به سوی محراب از عبادت بی ریای اولیا یاد کرده و سعی نموده اند بدان ها تشبیه جویند، که علی (علیه السلام) در کنار محراب، نگین اقتدار خود به سائلی بخشید و در جوار همان

محراب به شهادت رسید و ... یادمان باشد که زیباترین توصیف در شأن و بلندای قامت این امام بی بدیل را از مأذنه های منقش و آراسته می شنویم که: «أشهدُ أنّ علياً وليُّ الله.»

در همین مسجد است که از علی (علیه السلام) و اولاد علی (علیه السلام) یاد می کنند و مجالس فراوانی برای مدح و منقبت و مراثی برای اولیاء الله تشکیل می دهند و هرگز از زبان مؤمنان نمی افتد که: «باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟...»

شاید یکی از شواهد برجسته در مساجد اهل تشیع، کتیبه بندی و نگارش اشعاری در وصف سرسپردگان تشیع است. نماز و نیایش به درگاه خداوند با مجد و عظمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت آن عزیر خدا ادامه می یابد و اصول دستورات مذهبی مطرح می گردند.

مسجد یزد خواست، مسجد جامع اردبیل، مسجد جامع بروجرد، مسجد نیریز و مسجد سرکوجه محمدیه نایین و ... همه تماشایی اند. نام علی (علیه السلام) و اولاد او - علیهم السلام - در چهار گوشه این مساجد در گچ بری های زیبا تجلی یافته اند. مسجد جامع گلپایگان، مسجد میدان ساوه (به روزگار صفویان از باب ایمان، شیعیان محراب زیبا و دیدنی با گچ بری رنگین بر آن افزوده اند) نمونه های خوبی از این بناهای مقدس اند. در زیر گنبد چشمگیر سلطانیه، هر آن چه می بینیم علی (علیه السلام) است و یاد علی (علیه السلام) و نام علی (علیه السلام) به حروف ابجد و ... مسجد علویان نایین، که گمان می رود بنیاد آن کهن باشد و در سده هشتم دو اشکوبه شده است، و مسجد جامع سمنان و ورامین که شیعیان سخت به عبادت در این مساجد دلسپارند، همگی نشان از به کارگیری نمادها و نشانه ها از سوی شیعیان دارند و از برکت تأثیر تشیع، مساجد شیعیان از نظر ریخت شناسی و سیما شناسی، از بسیاری از اماکن مقدسه دیگر ممتاز و متمایزند. جامعه شیعیان در مساجد ضمن عبادت، از بزرگواری اولیا بحث می کنند و در کنار هر پرچم و کتیبه ای شعری زیبا در مدح فرزندان رسول الله می نگارند. مسجد پرذله (میان ده) ابیانه، مسجد خوانسار و مسجد جمعه اردبیل، هر یک نشانی از محبت به اولیا در گوشه گوشه این بناها نشان می دهند. گاهی مسجد، محل اجرای مجالس تعزیه می شود، به ویژه مجلس تعزیه مربوط به شام غریبان و داستان «بجدل و ساربان» - این دو بی حیای غارتگر باقی مانده اموال امام حسین (علیه السلام) که در مساجد اجرا می شود، اهل غرا سینه زنان به مساجد نزدیک می شوند و فریاد می زنند:

گلمیشوگ ای شیعه لر، شام غریبانه بیز ویر مگه باش ساغلیقی زینب (علیه‌السلام) نالانه بیز. یعنی: ای شیعیان، به مناسبت شام غریبان سینه دران آمدیم تا به زینب نالان سر سلامتی بدهیم. و دیگر این که می گویند: آمدیم بهر عزا، اهل عزا.

جواب: خوش آمدید بهر عزا، اهل عزا.

حسینیه

کیمیایی است عجب تعزیه داری حسین (علیه‌السلام) که نباید ز کسی منت اکسیر کشید «حسینی» یعنی منسوب به حسین (علیه‌السلام)، هر چه نوعی انتساب، ارتباط و شباهت با حسین (علیه‌السلام) داشته باشد. این پیوند میان حسین (علیه‌السلام) و حسینیان در تمام جلوه های زندگی عاشقان برقرار است. حسینیان در فکر و ایده و مرام، به مولای عاشقان، حسین (علیه‌السلام)، تشبیه می جویند. آنان کسانی هستند که رهرو و راه خونین عاشورا و انقلاب اویند. شور حسینی، خط حسینی، نوای حسینی، عشق حسینی، نهضت حسینی، حماسه حسینی، حرم حسینی، عاشورای حسینی، عزای حسینی و ... یعنی شور و حماسه ای که همچون شور آن حضرت برخوردار از حماسه و عزت و خروش است، و «حسینیه» مکانی است برای اقامه سوگواری برای اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) شاید روی آوردن شیعه به حسینیه، در دوران های کهن به خاطر آن بوده است که مساجد، اغلب در اختیار و سلطه حکومت هایی بوده اند که برای تشیع و اقامه عزاداری و مراسم و مناسک مذهبی شیعه، محدودیت هایی ایجاد می کردند. در ایران، در گوشه و کنار شهر ها و روستا ها، حسینیه های فراوانی به چشم می خورند که همه از باب محبت به حسین (علیه‌السلام) ساخته شده و گاهی به عنوان زائر سرا برای زوار نیز در نظر گرفته شده اند؛ مثل حسینیه آذربایجانی ها، تهرانی ها، اصفهانی ها و ... که در شهرهای نجف، کربلا، مشهد و ... از این گونه فراوانند. در مناطق هند، به حسینیه، «امام باره» می گویند. در برخی از نقاط آسیای میانه نیز حسینیه هایی که می ساختند، به «مسجد شیعه ها» معروف می شدند. یکی از حسینیه های معروف ایران، «حسینیه مجتهد» در شهر اردبیل و دیگری بخشی از تکیه معاون الملک کرمانشاه و مشهور به حسینیه است که در کنار زینبیه و عباسیه قرار دارد و در کاشی های منقش این صحن و سرا، بسیاری از وقایع مربوط به کربلا نقش بسته اند. همیشه به تعمیر این حسینیه ها و رعایت ادب و در نظر گرفتن آداب ورود به حسینیه ها سفارش شده است. تأثیر مستقیم تشیع از دیرگاه در به وجود آمدن چنین مکان مقدسی کاملاً آشکار است. یا حسین - علیه السلام:

دست تمنای همه سوی تو مرغ دل ما همه در کوی تو

تکیه

ز دوستان و محبان سید الشهداء به دستیاری هر کس، شده است تکیه بپا
تأثیر تشیع در برپایی تکیه ها و عزاخانه ها انکار ناپذیر است. معمولاً تکیه به عنوان محلی برای عزاداری سید
الشهداء — علیه السلام — به ویژه در دهه محرم، ساخته و بر پا می شود. البته این گونه اماکن غیر از تکیه های
دایمی هستند. «تکیه» در حقیقت، پس از مسجد پایگاه معنوی مسلمانان، بخصوص شیعیان، به حساب می آید؛
جایی که مردم با تعزیه خوانی و سوگواری برای سالار شهیدان و یاران وفادارش، به او متوسل و متکی می
شوند.

تکیه با تعزیه و عزاداری عجین گشته است. به نظر می رسد در قلمرو آداب و رسوم صوفیان، تکایا — از دیرگاه
— اماکن خاصی برای اجرای مراسم عارفان و مکمل خانقاه به حساب آمده اند.
اما تأثیر تشیع در چنین مکانی نخست از باب مهر به قطب الاقطاب حضرت ابوتراب علی بن ابی طالب — علیه
السلام — و سپس نقش اصلی آن برای عزاداری و به ویژه در حیطة هنر قدسی شبیه خوانی و تعزیه بوده است.

بخش های تکیه

ترکیب ساختمانی تکیه هایی که به صورت ثابت، محل اجرای تعزیه بوده (و هم اینک در برخی از تکایا رعایت
می شود) عبارت است از:

سکوئی در وسط ساختمان، به بلندی نیم تا سه ربع ذرع که جای اجرای تعزیه و موسوم به «مصطبه» بوده است.
— دو ردیف پلکان دو سه تایی — در طرفین سکو — برای بالا و پایین رفتن شبیه خوانان.

— گذرگاهی محیط بر سکو که آن هم جزو عرصه نمایش مذهبی و معمولاً جای اسب تازی و جنگ و جدل
میان اولیا و اشقیا بوده است.

— غرفه ها و طاق نماها برای حضور تماشاگران؛ این غرفه ها دور تا دور تکیه ساخته می شدند.
دیوارهای تکیه با کتیبه های سیاهی که اشعاری در سوگ خاندان حضرت امام حسین (علیه السلام) بر آن نقش
بسته بودند پوشانده می شدند.

- پرچم ها و علامت ها و «کُتل (= Kotal)» ها؛ یعنی پرچم های رنگی استوانه ای شکل مخصوص هر تکیه که در جای مناسبی جلوی چشم مردم قرار می گرفتند.

ورود و خروج اسب سواران از سکوه‌های شیب دار در کنار سکوی اصلی صورت می گرفت.

شیویه پذیرایی در تکیه ها

تکیه ها دارای طاقنماهایی بود که هر کدام یک نفر متصدی داشت. او می بایست از حاضران در مجلس با خرما و حلوا و شربت پذیرایی نماید. به محض این که تازه واردی به طاقنما وارد می شد. متصدی آن طاق نما، پس از ریختن گلاب از گلاب پاش به کف دست او، در سینی کوچک و ورشویی و نعلبکی بلوری و استکان مخصوص، قهوه یا چایی تعارف می کرد. اگر عزاداری در هنگام تابستان بود، شربت و آب یخ گردانده می شد. همچنین به دنبال شربت، چای و قلیان می آوردند. هزینه پذیرایی در طاقنماها را صاحب و مسئول هر طاقنما و یا مردم خیر (به وقف و نذر) متقبل می شدند.

در تهران و شهر های دیگر ایران، تکایای گوناگونی برای عزاداری وجود داشتند. افزون بر ایران، در کشور های همجوار نیز تکایا و ماتمکده هایی وجود دارند. به گفته ابن اثیر در سده دهم هـ. ق در شهر بغداد برای مراسم محرم، فضایی باز و سرپناهی برای شرکت کنندگان در مراسم در نظر گرفته می شد. از جمله تکیه های معروف تهران، که اهمیت داشتند، می توان از این تکایا نام برد:

تکیه زنبورک خانه، تکیه دباغ خانه، تکیه قمی ها، تکیه چهل تن، تکیه نوروز خان، تکیه عودلاجان، تکیه هفت تن، تکیه حاج میرزا آقاسی، تکیه درخونگاه، تکیه سرپولک، تکیه سلطنت آباد، تکیه نیاوران و بخصوص تکیه معروف دوره قاجار «تکیه دولت» که محلی بود در مرکز تهران در عصر ناصر الدین شاه قاجار که محل اجرای تعزیه های مهم در روز عاشورا و سایر ایام عزاداری محسوب می شد. این تکیه پشت ساختمان بانک ملی کنونی بازار روبه روی سبزه میدان واقع بود. در سال ۱۳۲۷ هـ. ش این محل تخریب گردید. تکایای معتبری هم در شهر مذهبی قم قرار دارند که اسامی برخی از این تکایا عبارتند از: تکیه باغ پنبه، تکیه پنجه علی، تکیه متولی باشی، تکیه شاه خراسان، تکیه گذر جدا، تکیه بزرگ، تکیه ارک، تکیه گذر صادق. تکیه شهر نطنز نیز با اصول معماری دقیق ساخته است.

اما یکی از تکایای برجسته ایران، که در واقع موزه کاشی ایران محسوب می شود و از نظر نقش و نگار و نگاره های مذهبی در خور تأمل است، «تکیه معاون الملک» کرمانشاه می باشد. این تکیه مشتمل بر سه بنای «حسینیه»، «زینبیه» و «عباسیه» است. این تکیه دو حیاط و یک عمارت در میان دارد و دیوارها و قسمت های گوناگون به طور کلی پوشیده از کاشی های گوناگون با رنگ های متنوع و زیبا هستند بانی تکیه مرحوم حسن معینی، معروف به «معین الرعایا» بوده که در سال ۱۳۲۰ هـ. ق به ایجاد آن همت گماشته است. چون در واقعه مشروطیت، بخشی از تکیه توسط مستبدان آسیب دید، معاون الملک در سال ۱۳۳۱ هـ. ق تکیه را احیا و خرابی های آن را ترمیم کرد و به همین دلیل، بنا به نام وی معروف شد. در شیراز نیز زمانی «حسینیه شیر» گل سرسبد تکیه ها و حسینیه های آن دیار بود که متأسفانه از جور روزگار، آتش به جان این حسینیه افتاد و طومار عمر این حسینیه را در هم پیچید.

هنگام ورود به تکایا، اشعار جانسوزی به خط جلی به روی کاشی یا سنگ و چوب و گچ نوشته شده اند. وقتی قدم به صحن و سرای «تکیه معاون الملک» می گذاری، این اشعار توجهت را به خود جلب می کنند: سر زنان، سینه زنان، پای در این بقعه گذار کاین بنا غمکده واقعه کرب و بلاست می نبینی و تو مگر ز اندوه و غم، آب و گلش کابش از چشمه چشم است و گل از خاک عزاست. در گوشه ای از صحن تکیه ای درقم نیز چنین نبشته است:

تا نسوزد جگرت، دیده نگرید ای دوست اشک بر هر دل غم دیده و هر درد نکوست

تا نسوزی ز غم خسرو لب تشنه حسین (علیه السلام) دل نداری به خدا، دیده و دل هر دو از اوست. این ها همه از تأثیر تشیع و بزرگان مذهب شیعه و کرامت و عنایت این بزرگواران است که خاک بی مقدار را به نظر کیمیا می کنند. مردی مؤمن و خداشناس از تبار عاشقان سیدالشهدا (علیه السلام) وقتی از شدت و حدت عزاداری در تکیه متولی باشی قم سخن می گوید، اشک بر دیده می آورد و خاطراتی بازگو می کند: ... «خدا شاهد است که اگر اشک هایی را که درطول سالیان متمادی در این تکیه ریخته شده، جمع آوری کرده، به یکباره در آن بریزند، سیل اشک از بالای دیوار آن به بیرون خواهد ریخت...» حسین بن علی (علیه السلام) آن حجت حق جمال حق تعالی، نور مطلق اگر خون و قیام او نبودی کجا اسلام و قرآن داشت رونق

ای پدر جان، تشنه ام سقای آب آور کجاست؟ تشنه کامم ای پدر، عباس غمپرور کجاست؟

ناله ها بر پا بود از شیون و افغان ما می رسد فریاد ما از تشنگی بر هر کجا

(زبان حال حضرت سکینه (علیه السلام))

«سقا» پخش خنده آب را گویند و « سقاخانه» جایی را نامند که از آنجا برای تشنگان آب ذخیره نمایند و آنجا را متبرک دانند.

«سنگاب» ظرف بزرگی است که از سنگ سازند و در حیاط مساجد و امام زاده ها و تکایا جای دهند و در آن آب ریزند تا تشنگان از آب آن بنوشند.

مولانا واعظ کاشفی سبزواری (متوفی در اوایل قرن دهم هـ. ق) در کتاب بی نظیر فتوت نامه سلطانی (باب ششم) در وصف سقایی و سقایان چنین می نویسد:

... «اول کسی که از پیامبران سقایی کرد، حضرت نوح (علیه السلام) بود. زمانی که نوح به کشتی می نشست، (از سوی خداوند) امر آمد که آب شیرین با خود به کشتی بر، که آب طوفان، یک عذاب است و خوردن را نشاید... نوح هر روز دو بار بر اهل کشتی آب می داد؛ بدین ترتیب که سبویی از خم برداشتی و پیمانه در دست گرفتی و هر یک از اهل کشتی را پیمانه آب دادی.

دوم از پیامبران، حضرت ابراهیم بود و از پوست قوچ قربانی شده به جای فرزندش اسمعیل، خیکی ساخت و در روزهای گرم از آب پر می کرد و بر چهار پا می نهاد و در صحرا، هر کجا تشنه ای یافتی، او را آب دادی. سومین پیامبری که سقایی کرد، حضرت خضر بود و او پس از قدم نهادن در ظلمات، با خود عهد کرد که اگر آب حیات نصیب من شود، به هر کسی که تشنه باشد، آبی رسانم تا تشنه حیات را مدد کار باشم. چهارمین و آخرین پیامبری که سقایی کرد، حضرت ختمی مرتبت بود. بنا به قولی، نخستین سقا در تاریخ شیعه، حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. او در جنگ احد تشنگان را آب داد، فردای قیامت، ساقی حوض کوثر خواهد بود و در صحرای محشر، تشنگان را سیراب خواهد کرد.

دوم عباس بن علی (علیه السلام) بود که روز عاشورا در صحرای کربلا، عزم جزم کرد تا تشنگان اهل بیت را سیراب کند. پس از کسب رخصت از امام حسین (علیه السلام)، عباس (علیه السلام) فرصت یافت و کنار فرات

آمد و مشک آب را پر کرد. چون خواست که آب بنوشد، تشنگی اهل بیت را به یاد آورد. پس آب نخورد و مشک به دوش کشید. اما ... ملعونان گرد وی در آمدند و دست هایش بیفکندند. پس هر کس به عشق شهیدان کربلا، به متابعت عباس بن علی (علیه‌السلام) سقایی کند، اجری اخروی نصیب او شود» ... به این دلیل است که مردم پس از نوشیدن آب و رفع عطش، به عنوان سپاس می گویند: «آب زمزم / کوثر نصیبتان شود» «اجرتان با سقای کربلا، حضرت ابوالفضل (علیه‌السلام)». در قالب بحر طویلی زیبا، شاعری (وصاف کاشی (به تفصیل از سقای دشت کربلا یاد کرده و شجاعت و غیرت او را ستوده است. بخشی از این بحر طویل را از باب تمین و تبرک ذکر می کنیم: ... «ز هر خیل و ز هر فوج بیارید بر او بارش پیکان و ننالید ابوالفضل ز انبوهی عدوان، همی یک تنه می تاخت به میدان و خود از کشته شان پشته همی ساخت، که ناگاه لعینی ز کمینگاه یکی تیغ بر او آخت، که دستش ز سوی راست بینداخت. ولی حضرت عباس وفادار، چو مرغی که به یک بال برد دانه سوی لانه به منقار، به دست چپ او تیغ شرربار، همش مشک به دندان و بدرید زعدوان، زره و جوشن و خفتان، که ناگاه لعین دگر از آل جفا، دست چپش ساخت جدا، شد به رکاب هنر از کوشش و تا کرد دلیران دغا از بر خود دور، تنش از زخم بدی پُر، بد او خرم و مسرور، که شاید ببرد آب بر کودک بی تاب سکینه که بد آرام دل باب، سواریش نماند، از زیر زین به زمین گشت نگونسار، یکی ناله برآورد که ای جان برادر! چه شود گر به دم باز پسین شادکنی خاطر ناشادم و بستانی از این لشکر کین دادم و سر وقت من آیی که سرم شق شده از ضربت شمشیر؟ دگر گر به تن اندر رمقی هست، که فرصت رود از دست. دگر ای غم زده «وصاف»، مکن وصف بلاهای نصیب شه تشنه لب کرب و بلا را».

سقاخانه ها را می توان پدیدار هایی اجتماعی - مذهبی با قدمتی دیرینه نامید که در آنها، «آب» این عنصر حیات بخش (و جعلنا من الماء کل شیء حی) (به رایگان در اختیار رهگذران تشنه قرار می گیرد. اما در پس این تعریف ساده و کوتاه، فرهنگی کهن و ارزشمند نهفته است. سقاخانه ها در نظر مسلمانان و به ویژه اهل تشیع، همواره از جایگاهی مکرم و حرمتی خاص برخوردار بوده اند.

اولین موضوعی که در بررسی سقاخانه مورد توجه قرار می گیرد «آب» است. باید توجه داشت که آب سقاخانه ها در نظر مریدان آن یک آب معمولی نیست، بلکه عنصری است مقدس، شفای دردهای جسمانی و آرام بخش روح های پریشان. این آب نشان از ایمان دارد، از ایثار، از فداکاری و محبت و بالاخره، نشان از شهادت. حقیقت این است که والاترین و متعالی ترین مفهوم اجتماعی - اعتقادی «آب» را در مذهب شیعه می توان یافت؛ آنجا

که آب را مهریه حضرت فاطمه زهرا – علیها السلام – قرار داده اند. آب علاوه بر تمامی مفاهیم مزبور، نمادی از گذشت و فداکاری و سپس شهادت است. و این است همان فلسفه اصلی انفاق آب و احداث بنای کوچک سقاخانه.

شاید دلیل اصلی احداث سقاخانه ها از طرف بانیان خیر آن ها، به طور عمده دو چیز بوده است: یکی تمسک به عملی خیر برای سقاییت مردمان، که از قدیم الایام بدان توجه خاصی می شده است؛ و دیگری یاد آوری حادثه عاشورا و واقعه کربلا و خاطره تشنگان شهید از جور ستم اشقیاء، که این در کشور های شیعی مذهب از مهم ترین دلایل احداث سقاخانه ها به شمار می آید.

اغلب سقاخانه ها از طرف بانیان آنها، برای استفاده همگانی «وقف» می شده اند. هرگاه هنرمند ایرانی عنایتی به این ابنیه داشته، آنچنان شور و زیبایی در آن به یادگار گذارده که هنر، نوشنده آب از این سقاخانه ها را محو و واله عظمت ایمان و عشق به بزرگواران شهید نموده و ارزش این آب انفاق شده را تا حد آب کوثر بالا برده است.

معماری سقاخانه ها

از نظر معماری و شکل بنا، سقاخانه های تهران و بسیاری از ولایات را می توان به طور نسبی در سه گروه کلی جای داد و خصوصیات مشترکی نیز برای هر گروه تعریف کرد:

گروه اول سقاخانه هایی که ساختمان آنها با بناهای اطراف خود پیوند و دل بستگی ندارد و به تعبیری، مستقل هستند. این بناها معمولاً مکعبی شکل بوده و گاه به صورت بنایی استوانه ای و یا هشت گوش ساخته می شوند، به گونه ای که از چهار جهت نما دارند و قابل بهره برداری می باشند.

گروه دوم را، که در تهران از کثرت بیشتری برخوردارند، می توان «سقاخانه های دکانی شکل» نامید. نمای کلی این سقاخانه ها به گونه دکانی نیم بابی یا یک بابی است که در کنار مجموعه ای از دکان ها و یا منازل و بناهای اطراف قرار گرفته اند. محل احداث این نوع سقاخانه ها بیشتر در کنار معابر اصلی و پر رفت و آمد شهر است. گروه سوم را می توان «سقاخانه های رفی شکل» نامید. این گونه سقاخانه ها در شکل کلی، کاملاً وابسته به بنای همراه خود هستند و از نظر تملک جزئی از بنای خانه یا مسجد مجاور خود محسوب می شدند. نماز عمومی این گروه از سقاخانه ها، که غالباً کوچک و محقر هستند، به صورت فرورفتگی مختصر رف مانند یا تاقچه

مانندی در دیوار بنای پشتی خود می باشد. این گروه از سقاخانه ها بیشتر در معابر فرعی و کوی ها قرار دارند و فاقد وقف نامه ای مستقل هستند. صاحبان منازل یا بناهای اصلی، که در واقع این سقاخانه ها جزئی از آنها محسوب می شوند، عموماً خود بانی این مکان ها بوده و مخارج سقاخانه های رفی را شخصاً تقبل می کرده اند.

تزئینات سقاخانه ها

تزئینات معماری در سقاخانه های عموم شهر های ایران، از جمله تهران، از نظر مصالح و شکل استفاده در بنا، در سه گروه عمده قابل بررسی می باشند:

گروه اول. تزئینات سنگی و آجری سقاخانه ها هستند که از اجزا و مصالح ساختمانی خود بنا و یا روکار آن محسوب می شوند. به دلیل کوچکی فضای سقاخانه، این نوع تزئینات و آجرچینی ها غالباً به طور محدود و ساده در خارج بنا، بخصوص سر در و ازاره و گه گاه نیز در نمای بیرونی درگاه سقاخانه ها ایجاد شده اند. گاهی از قطعات سنگی نیز برای ایجاد استقامت بیشتر در قسمت خارجی بنای آجری سقاخانه ها استفاده می کرده اند.

گروه دوم. بخشی از تزئینات سقاخانه های تهران را انواع کاشی کاری های موجود در آن ها تشکیل می دهند. معمولاً سقاخانه های شهرستان ها نیز این گونه اند. هر بنای سقاخانه، هر قدر هم که کوچک و محقر باشد، دارای فضای کاشی کاری شده ای دست کم به عنوان پوششی محقر برای کف سقاخانه است. کاشی های تزئینی به کار رفته در برخی از این بناها، غالباً از نوع کاشی هفت رنگ تهیه می شوند. در میان کاشی های در نظر گرفته شده برای سقاخانه ها، کاشی های کتیبه دار از محبوبیت والایی برخوردارند. از نمونه طرح هایی که مکرر در کاشی کاری سقاخانه ها مشاهده می شود، صحنه هایی از واقعه عاشورا و تمثال مبارک ائمه اطهار (علیه السلام) به ویژه سید الشهداء و حضرت ابوالفضل (علیه السلام) هستند که گاهی سوار بر اسب و زمانی پیاده، در حالتی که زره پوشیده و عکمی در دست دارند، یا مشک آب بر شانه مجسم شده اند. این تصاویر به ظاهر ساده، تأثیر زیادی بر هر بیننده دل سوخته ای می گذارند و شاید به همین دلیل، شکل گیری سبکی به نام - مکتب سقاخانه - در هنر نوین ایران را سبب شده اند.

گروه سوم. بخشی از تزئینات معماری سقاخانه را می توان آئینه کاری دانست که معمولاً به سبک آئینه کاری های سایر اماکن مذهبی، همچون مساجد و بقاع متبرکه و امام زاده ها انجام می شود.

کتیبه نویسی در سقاخانه ها

اصولاً کتیبه نویسی در بناهای سنی — مذهبی، جایگاه ویژه ای دارد و مکان های کوچک و مقدس سقاخانه ها نیز غالباً از این مشخصه دور نیستند. گذشته از کتیبه هایی که صورت وقف نامه دارند و یا معرف نام «بانی» یا «واقف» هستند، اهل ایمان و ذوق به خط خوش فضای سقاخانه ها را آراسته اند. این نوشته ها به طور عمده از ادبیات غنی عاشورا و تعزیه منشأ گرفته و از این طریق، رهگذران را به لحظه ای تأمل و نوشیدن آب به یاد لب تشنه آن بزرگواران شهید در صحرای کربلا دعوت می کنند:

آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن جان را فدایی مرقد شاه شهید کن.

(مصرع دوم گاهی چنین آمده است: یاد از لبان تشنه شاه شهید کن.)

هر که آبی ز جام ما نوشد خلعت از شاه کربلا پوشد.

این ابیات، تذکاری هستند بر شهادتِ مظلومان دشت کربلا و حاجت خواهی از آن بزرگواران:

عباس (علیه السلام) ای شهید گروه مخالفان دارم به دل یقین که تویی ماه انس و جان

کن حاجتم روا تو به حق برادرت ای خسرو زمانه و سقای کودکان

آبی دهم به یاد لبانت، حسین (علیه السلام) حسین (علیه السلام)

بر شیعیان به ماه عزایت، حسین (علیه السلام) حسین (علیه السلام)

بارید خون ز دیده کروبیان عرش

کردی تو چون قبول شهادت، حسین (علیه السلام) حسین (علیه السلام)

زیان حال حضرت عباس (علیه السلام):

مأمورم آنکه آب رسانم به خیمه گاه بر کودکان شه لب تشنگان دهم.

نوش جان کن شیعه، این آب از ره مهر و وفا یاد آور از لب خشک شهید کربلا

یاد آور از لب عطشان عباس (علیه السلام) علی (علیه السلام)

پور حیدر، آن علمدار حسین (علیه‌السلام)، پورِ علی (علیه‌السلام)

در قلمرو پیوند اشیا و اشعار در حیظه شعر (عامیانه و رسمی و مکتوب)، نمونه‌هایی از تجلی احساس مردم را در قالب شعر، بر روی کاشی‌ها یا حاشیه لیوان‌های مسی موجود در سقاخانه به نظاره می‌نشینیم و با هم — با شاعران دل سوخته — این شاه بیت‌های دل‌نشین را زمزمه می‌کنیم:

این ندا از عالم بالا رسید مزد آب، آن است: لعنت بر یزید

بررسی نمادین تزیینات داخلی و خارجی سقاخانه‌ها

به نظر دل‌سپردگان به سقاخانه‌ها، هر یک از عناصر سازنده سقاخانه، مفهوم و مضمونی در بر دارد.

شبكة و پنجره مشبک فلزی اغلب به رنگ طلایی و نقره‌ای یادآور مزار اولیاست؛ قبه‌های روی مخزن آب، بقعه و آرامگاه شهدا را به یاد می‌آورد؛ دست‌افراشته بر فراز هر قبه، نشانه پنج تن آل عبا و نشان مخصوص دست و پنجه مبارک حضرت عباس (علیه‌السلام) است؛ نوشته‌های اطراف سقاخانه، آیاتی از قرآن، شعارهای مذهبی یا اشعاری در مدح و ثنا و رثای امام حسین (علیه‌السلام) و حضرت عباس (علیه‌السلام) هستند؛ مانند:

«السلام علی‌الحسین (علیه‌السلام) و علی‌بن‌الحسین (علیه‌السلام) و علی‌اولاد‌الحسین و علی‌اصحاب‌الحسین (علیه‌السلام)». «لعنه‌الله علی‌قاتل‌الحسین (علیه‌السلام) السلام علیک یا ابا‌الفضل‌العباس (علیه‌السلام)».

ساقی تشنه لبان روی به دریا می‌کرد ساغر وصل ز معشوق تمنا می‌کرد

شد دل شط فرات از عطش او بی‌تاب چون تماشا، لب خشکیده سقا می‌کرد.

شاه بیت‌هایی از دوازده بند محتشم کاشانی — رحمه‌الله‌علیه — نیز به خط جلی، نمای سقاخانه را آذین می‌بندند:

از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت مهمان کربلا.

تجلی سقاخانه در آیین فرهنگ عامه

سوگند به صاحب سقاخانه‌ها، حضرت عباس (علیه‌السلام) علمدار، از قسم‌های بسیار مهم مردم، و در نظر گرفتن موقوفاتی برای این مکان‌ها از عمده مسائل مرتبط با باقیات صالحات بوده است.

هنوز هم مادران به هنگام زمزمه لالایی ها برای کودکان خود، از ساقی دشت بلا یاد می کنند. ضرب المثل هایی هم ویژه سقاخانه ها هستند؛ مثلاً: «از سقاخانه شمع دزدیدن» کنایه از انجام عمل خلاف و نشانه اوج خلاف کاری است.

«از سقاخانه شمع کشیدن» در برگیرنده مضمونی خاص است. در سابق، اگر کسی مورد ظلم قرار می گرفت، شمعی از سقاخانه ای بر می داشت و نذر می کرد هرگاه ظالم به جزای عمل خود برسد و مظلوم به حق خود دست یابد، در عوض، بسته ای شمع به آن سقاخانه پیشکش نماید.

افسانه های بسیاری در باب توسل مردم به این سقاخانه ها در گنجینه سینه مردم و بخصوص پهلوانان وجود دارند.

سنگاب

در گذشته، علاوه بر واژه «سقاخانه» از واژه هایی مانند «سنگاب» نیز استفاده می شد. البته میان سقاخانه هایی که آب آن را متبرک می دانسته اند و سنگاب ها تفاوت هایی وجود دارند. با این حال، به حرمت آب و در نظر گرفتن احادیثی از اولیا، تهیه سنگاب ها هم نوعی وظیفه شرعی برای شیعیان در نظر می آمد.

در حدیثی از امام محمد باقر (علیه السلام) می خوانیم: «... خداوند آب دادن به جگر تفتیده را دوست دارد».

در حدیثی دیگر از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است: «... برترین و با فضیلت ترین صدقه، آب دادن است به جگری تفتیده» ...

سنگاب ها و سنگاب خانه های بسیاری در نقاط مختلف ایران، بخصوص مراکز مذهبی و از جمله شهر مقدس قم، وجود داشته و شاعران آل الله درارتباط با شأن شهیدان اشعار نغزی سروده و بر روی این سنگاب ها نقش نموده اند؛

آبی بنوش و تشنه لبان را تو یاد کن. لعنت به شمر و خولی و ابن زیاد کن

نوشید آب و لعن به سفیانان کنید یاد از شهید خنجر و تیر و کمان کنید.

سقاخانه از دیدگاه یک محقق خارجی

پیتر لمبورن ویلسون (Peter Lamborn Wilson) محققى از مغرب زمین (قریب یک قرن پیش) در مقاله ای تحت عنوان «سقاخانه» از این بنای مذهبی و شیعی در ایران یاد می کند و می نویسد: هنگامی که در ایران، از بازارچه ای می گذرید و یا از کوچه محله ای قدیمی رد می شوید، به یک تورفتگی بر می خورید که در دیواری تعبیه شده است و پنجره مشبک آهنی، قسمتی از آن را می پوشاند.

داخل تورفتگی، شیر های متصل به مخزنی - پشت دیوار - با مخزن بزرگ آب می بینید. این مخزن، که به شکل استوانه ای از مس ساخته شده، گاهی به تزیینات، آراسته است؛ بالایش سه قبه دارد. از روی قبه میانی، که از دو قبه دیگر بزرگ تر است، پنجه دست زیبایی برافراشته است که رویش با خط خوش، کلماتی را به صورت مشبک نوشته اند. چندین پیاله آب خوری سنگین مسی با زنجیر به مخزن وصلند.

از دیوار تورفتگی، شمایل هایی به رنگ های درخشان آویزانند و دور و بر مخزن آب، شمع هایی گذاشته اند که بعضی روشنند و بعضی سوخته اند.

نوار هایی از پارچه های رنگی (به ویژه سبز) به میله های پنجره مشبک بسته اند.»

به عقیده ویلسون، تصاویر منقش بر کاشی های سقاخانه ها و نماد پردازی ها، از حد و مرز مباحث مادی بسیار فراتر می روند. اگر در ماهیت انتزاعی و اصیل شکل های نمایشی تعزیه و قدرت نیرومند تصاویر سقاخانه تأمل کنیم، پی می بریم که «... تشیع حتی در عامیانه ترین سطح خود، نه تنها از استعلای خاص اسلام، بلکه استعلایی از آن خویش بهره مند است» ...

در مورد سقاخانه و سقایت و سقایی، در کتب معتبر ایرانی و خارجی، اشاره های فراوانی وجود دارند و تأثیر مذهب تشیع در این بناهای مذهبی را توصیف می کنند.

نگاهی به مکتب هنری موسوم به سقاخانه

تقریباً از سال ۱۳۴۰ جمعی از هنرمندان با استفاده از طرح های مذهبی و نقوش و موتیف ها (خرده نقش ها) ی مذهبی، موجد یک موج هنری موسوم به مکتب یا سبک «سقاخانه» ای شدند؛ یادی از حرم و تکیه و حسینیه. حال و هوای این گونه کارها در نقاشی و دیگر کارهای هنری همین بود:

بوی روضه و گریه، روشنی شمع و برق طاس های برنجی، صدای صلوات و یا حسین (علیه السلام)، و فدای لب تشنه ات یا ابا عبدالله.

به طور کلی، حال و هوا مذهبی بود، ولی نه در حد مسجد شاه اصفهان رفیع و فخیم، و نه در حد مسجد سپه سالار تهران سترگ، بلکه در حد سقاخانه گذر.

طرح ها و نقش های سنتی — مذهبی برگرفته از فضای آرام و صمیمی و پر از خلوص سقاخانه ها و تکیه ها، امکان همه گونه ترکیب و تجزیه را در زمینه هنر نوین، به هنرمندان سقاخانه ای می دادند که همه در نوع خود بدیع و زیبا بودند.

در این که چرا این موج هنری خاص «مکتب سقاخانه» نام گرفت، توجیحات متفاوتی وجود دارند. اصولاً سقاخانه ها یکی از مراکز زیارتی مهم در تشیع محسوب می شوند. مراسم تعزیه، که در محرم (و گاهی در سایر ایام) برپا می شود نیز، شاید بیش از سقاخانه ها، پدید آورنده نقش ها، شکل های ساختمانی و اشارات و رمزهای ادبی باشد. خود تکیه ها و حسینیه ها به عنوان محل های برگزاری آیین های مذهبی، و پرچم ها و بیرق ها که نشان از علم حضرت عباس (علیه السلام) دارند، اسب زخمی امام حسین (علیه السلام) کمان ها، نیزه ها و شمشیر ها، لباس های سبز و سیاه و سفید ویژه اولیا و لباس سرخ اشقیاء، لوازم و اسباب صحنه نمایش تعزیه خوانی شامل خیمه و ظرف آبی به نشانه فرات، همه و همه در هنگام نمایش از قدرت بیانی بالایی برخوردار دارند.

این گونه نمادها و تجسم های مذهبی الهام بخش هنرمندان منتسب به مکتب سقاخانه ای گردیدند. در واقع، این تجسم ها و تمثیل ها باروحیات مردم عجین شده و نوعی فهم نمادین بالایی ایجاد کرده اند. همین فهم نمادین بود که باعث گردید در برخورد با مکتب سقاخانه، احساسی مشترک در مردم به وجود آید و اقبال عمومی وسیعی برای دست کم دو دهه در هنر معاصر کشور را موجب شود.

دل شوریده نه از شور شراب آمده است دین و دل، ساقی شیرین سخنم برده ز دست

ساقی باده توحید و معارف، عباس شاهد بزم ازل، شمع شبستان «ألست.»»

سقانفار

«سقانفار یا سقا تالار» بنایی است با مواد و مصالح چوبی که در استان مازندران در کنار تکایا و مساجد و حتی در میان شالیزارها (برای عبادت شالی کاران در این مکان)، ساخته می شود. این بناها را به یاد سقای دشت کربلا، حضرت ابوالفضل (علیه السلام) می سازند.

سقانفارها معمولاً دو طبقه اند؛ از طریق پلکان های چوبی از پایین به طبقه بالا می روند. طبقه اول آن مکانی است که معمولاً زنان محل در آن جمع می شوند و عزاداری می کنند و نیز وسایل پذیرایی از عزاداران در آن قرار میگیرد. طبقه دوم محلی است که مردان در طول شب های عزا و دهه اول ماه محرم در آنجا به عزاداری می پردازند.

سقانفارها با بار فرهنگی بسیار غنی و بهره گیری از پشتوانه سنت ها و آداب و باورداشت های شیعی مردم مازندران، روایتگر ایمان و دل سپاری جامعه کشاورزی مازندران به سالار شهیدان و برادر دلاورش سقای لب تشنگان، حضرت عباس (علیه السلام) هستند. این عزاداران مردم عادی ساده دل و مخلص هستند. اما آنچه این بنا را جزو نادر ترین بناهای مذهبی قرار داده، ترکیب چند هنر معماری، نقاشی و خطاطی داخل آن است که در کل، شکل بدیع و منسجمی به وجود آورده است. این بناها — همان گونه که ذکر شد — تماماً از چوب ساخته شده و هنرمند بومی با توجه به فراوانی چوب در مازندران، مصالح مناسبی یافته و نقوش باشکوهی را بر روی این چوب ها ایجاد کرده است. این نقوش مذهبی، نگاره هایی از عشق به شهادت در مذهب شیعه و تقریباً همانند مباحث مربوط به تعزیه و شبیه خوانی هستند که به تصویر کشیده شده اند. این هنرمندان بی ادعا — فارغ از قید هر سبک و مکتب، شفاف ترین و تمیز ترین رنگ ها را برای برگزیدگان راه خدا می پسندند و در مقابل، رنگ های سرخ و کدر را برای کافران و اشقیاء انتخاب می کنند. این رنگ ها و طرح ها و نقش های پرمعنا، همراه با صفای هنرمندان، هر یک در جای خود، به این اماکن، که مستقیماً تحت تأثیر آیین تشیع هستند، حرمت و قداست خاصی می بخشند.

آب انبار

آن فراتی را که مهر دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است آن فراتی را که ارث خسرو بی لشکر است

کی روا باشد زجور فرقه بی انفعال بهر شاه دین حرام و بهر دیو و دد حلال؟

تأثیر تشیع در یکی از ابنیه مهم ایران، یعنی «آب انبار»، در خور توجه است. آب انبار در سراسر راه های ایران و در شهر های این سرزمین خدایی، به تعداد بسیار دیده می شود و بعضی از آن ها، که در شهرهای خشک و کم آب ساخته شده، خود اثری بسیار زیبا و از لحاظ معماری و مسائل مربوط به سنت پسندیده «وقف» شایان توجه است. در میان موقوفات، با توجه به اسناد و مدارک موجود، یادداشت های فراوانی در این زمینه وجود دارند و بسیاری از مردم مؤمن موقوفاتی برای احداث آب انبار و استفاده عموم و رایگان از این آب انبارها تعیین

کرده اند. از این نظر، در برخی ولایات، آب انبار را « اهل ایمان » می گویند (مثل اردبیل و بسیاری از نقاط آذربایجان). سابقاً این آب انبارها کارکرد و عملکرد دقیقی در زندگی مردم داشتند. ساختمان آب انبار مسلماً در حیطة اماکن مقدس و متبرک و مطهر بود و فرهنگ شیعی در اینجا هم خود را نمایان می سازد. کاشی های سردر این آب انبارها با کلماتی به خط نستعلیق جلی بسیار زیبا به رنگ سفید بر قطعات لاجوردی نوشته می شدند. چند رشته قنات برای هر آب انبار وقف می شدند و گاهی مستغلات فراوانی در اختیار بانیان این آب انبارها قرار می گرفتند. لای رویی این قنات ها نیز به همیاری مردم مؤمن انجام می گرفت؛ پیش از آنکه فصل زمستان برسد، به سرپرستی عده ای از مردم خیر هر شهر، مسیر قنات ها لای رویی و تمیز می شد تا در تمام فصل زمستان، مردم به راحتی از این آب انبارها، آب مصرفی خود را فراهم کنند. آب انبارها گاهی بسیار پایین تر از سطح زمین قرار داشتند؛ شاید قریب چهل پله، مردم را از در ورودی آب انبار تا محل اصلی می رساندند. علت این امر محفوظ ماندن آب از حرارت خورشید در تابستان و صولت سرما در زمستان بود. باورهای مذهبی اهل تشیع در شکل گیری این اماکن تأثیر بخصوص داشتند و هر دم که کوزه های آب توسط مردم مؤمن پر می شدند و رفع عطش می گردیدند، زمزمه می کردند:

به خاک و خون شدی غلطان، به دست شمر بی ایمان
حسین جان با لب عطشان، حسین جانم، حسین جانم.

امام زاده ها

ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده ایم از پی حادثه، اینجا به پناه آمده ایم

تأثیر تشیع در زیارت آستانه های مقدس امام زادگان نظر کرده کاملاً آشکار است. آرامگاه هر یک از این عزیزان بنده خدا، بخصوص آقازاده هایی که صحن و سرای آنها به زیارت نامه و شجره النسب مزین است و این امام زاده ها واجب التعظیم محسوب می گردند، در خور توجه و محل التجا و التماس و پاکی است. افزون بر اجرای مراسم زیبای بزرگداشت نکونامان و نکوکاران در صحنه لم یزلی عزاداری قدسی، توسل به انبیا و اولیا و فرزندان این عزیزان خدا، در قلمرو باورهای مردم مؤمن جایگاه ویژه ای دارد. «توسل» وسیله جویی و حاجت خواستن از خداوند یا وسیله و شفیع قرار دادن پاکان و ائمه معصوم (علیه السلام) از جمله حضرت سید الشهداء و فرزندان و شهدای کربلاست. «توسل» ارتباط با معصومان و اولیاء الله را به خاطر قرب مقام و منزلتشان نزد خدای متعال، آسان می سازد؛ چرا که این بزرگواران حق شفاعت دارند و سرسپردگان این اولیا برای استجاب

دعا، دعای توسل می خوانند و تقرب به درگاه خداوند را برای برآمدن حاجت ها وسیله تسکین و آرامش قلوب خود می شناسند. ساختمان این امام زاده ها در هر گوشه از ایران، محل تجمع عاشقان آل الله است و از نظر آرایه ها و پیرایه ها و علم بندی ها و نگه داری پرچم ها و علم ها، درخور توجه می باشد و از دیدگاه ساختن ضریح، نمونه ذوق هنرمندان محسوب می گردد. بند اشعار مربوط به اولیاء الله به خط خوش، آیین بند دیوارها و حتی ضریح و صندوق چوبی و فلزی ساختمان امام زاده هاست. برخی از این امام زاده ها و قدمت ساختمان آن ها، قدمت شهرسازی یا سکونت در روستا را نشان می دهد. بیتوته کردن در این اماکن و کسب شفای روحی و همدلی و همدردی با امام زاده هایی که روزگاری از جبر و جور اشقیا به شهادت رسیده اند، از آمال و آرمان های زوار و دلسپردگان به این امام زاده هاست که بخصوص پس از حرکت امام رضا (علیه السلام) از مدینه به سوی ایران و توس، برادران این امام همام به ایران رو آوردند و بسیاری از آنان متأسفانه توسط عمال خلفای جور به شهادت رسیدند. اما مرقد و مشهد و آرامگاه آنان زیارتگاه عاشقان و اهل تشیع گردیده است.

نتیجه گیری

هر چند تحریر مطالبی در زمینه تأثیر تشیع در ابنیه و اماکن مذهبی، کاری سخت و دشوار است، اما هنرمندان مخلص به وضوی مهر هر یک به سرسپاری به آل الله، شاهکارهای خود را درقاب آئینه صحن و سرای مساجد و تکیه ها و حسینه ها و امام زاده ها و سقاخانه ها و زورخانه ها و ... عیان نموده اند تا از این طریق، به آئینه بندی دل های مؤمنان پردازند و دل ها را صفا بخشند و زنگار از آئینه دل ها بزدایند و شک را بر طرف سازند و به دامن حقیقت بیاویزند:

باطل همه جا در بر حق بوده به تزویر با خدعه دهد جلوه، همه کرده و تقصیر

شاید که شود تابش حق جمله کمی دیر لیکن نرود جلوه ز رخسار حقیقت.

در طریق دل سپاری به این اماکن، باید متوجه باشیم که خرافات را حتماً از حیطة و حریم این اماکن دور نگه داریم. درود می فرستیم به روان هنرمندان جان شیفته و سلام بر هنرمندان مخلص که هر یک در آراستن و پیراستن این صحن و سراها جان صرف کرده اند و این اماکن را نه در بند یک ساختمان و متکی به مصالح مادی دانسته اند، بلکه بقاع متبرکه را از نفس قدسی و انفاس الهی اولیا آکنده اند.

هلا ای نگارگر چیره دست! دستان مریزاد که از مژگان خود قلم ساختی و از دوات خون بار چشم، جوهر سرخگون برگرفتی و شقاوت اشقیا را بر دیوار های بقاع متبرکه نمایش دادی و حلاوت و ظرافت نگاه اولیا را عیان ساختی و به نشان ماتم‌داری، شال عزا بر گردن انداختی و بر سینه کوفتی و فریاد برداشتی که:

پشت نبی و آل نبی در جنان شکست تا در جهان، سپاه شه انس و جان شکست
در سینه شان ز شست و ز دست مخالفان از هر طرف خدنگ خلید و سنان شکست.

بسیاری از جامعه شناسان وقتی در باب جامعه شناسی دینی و مذهبی سخن می گویند، به دقت قداست اشیا را در نظر می آورند که این اشیا و مصالح در برکت تقرب به نیکان و پاکان مقدس گشته اند.

امیل دورکیم، جامعه شناس معروف، اشياء را به «مقدس» و «غیر مقدس» تقسیم می کند؛ برخی ستودنی و ستایش کردنی و بعضی پست و به دور از پاکی و تطهیر هستند. فکر و اندیشه انسان نیز چنین است. این اندیشه پاک اهل تشیع است که به خاک بی مقدار جان می بخشد و فلز را بهادر می سازد و چوب و آئینه و گچ را ارزش می بخشد و روانداز مزار نیکان را به رنگ سبز و قدسی می آراند و از اشعار دلنشین، شأن و مقام اهل تقدس را بازگو می کند و فریاد می زند که هلا! بی وضو وارد گود مقدس زورخانه نشوید و بی نام علی (علیه السلام)، مرشدان با صوت جلی مطلبی آغاز نکنند و با یاد فرزندان علی (علیه السلام) مساجد را سیاهپوش سازند و تکیه ها را در سوگواره بیارایند:

رهرو راه پیمبر، حافظ دین مبینم می روم سوی شهادت، تا بماند زنده دینم

گر شود پامال اسبان عدوی پر زکینم این تن و جسم من و یاران با محنت قرینم

خوفی از دشمن ندارم، من شهید کربلایم من حسین بن علی (علیه السلام) دردانه خیر النسایم.

چنین مطالبی هستند که در و دیوار زیارت خانه ها را می آراند و زوار را به رعایت قداست مکان ملزم می نمایند. اینجاست که هنرمند و معمار شیفته جان وضو می گیرد و به نام الله و به یاد اولیاء الله سنگ بر روی سنگ می گذارد و سقاخانه جان می سازد و طفلان نقش را در قنذاقه سنگ و بوم و چوب و گچ و پارچه آرامش می دهد.

آری، از رخ نیلگون کاشی تا سیمای زعفرانی آجر و از رخسار سپید گچ بری ها تا دل نازک شیشه ها - هر یک — در برگیرنده زیبایی های برگرفته از خط مشق هنرمندان عاشق رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اولاد او و بنیانگذار مذهب شیعی علوی، حضرت مولی الموحدین علی (علیه السلام)، هستند.

این نکته درخور توجه است که چنین هنرمندانی صاحب دل، بی ریا و اهل صفا هستند و بسیار هنگام، هنر خود را وقف تحریر وقف نامه ها و کتیبه ها می نمایند؛ چرا که هنر، خود هدف نیست، بلکه وسیله ای است برای اهدافی مهم، و ابزاری است برای معرفی پیام متعالی و دعوت به سوی حق و هدف والای الهی و انسانی.

گفته اند:

چون غرض آمد، هنر پوشیده شد صد حجاب ازدل به سوی دیده شد.

از کسانی که از سنگاب های آراسته و نقوش قدسی آب خورده اند، تا کسانی که در سقافارها بر سینه کوبیده و داغدار گشته اند، تا بانیان تکیه ها و حسینیه ها و عزاخانه ها و آینه بندان سقاخانه ها، همه می دانند که اگر معرفت و عشق در کار نباشد، زیبایی جلوه ای نمی یابد سجده گاه ها و محراب ها و منبر ها، رخت ماده را در عشق به اولیای خدا از خود دور می سازند و جنبه رمز و راز به خود می گیرند. این جاست که تشیع راهی به دل ها می یابد و هنرمند شیعی هنر را با جهان بینی اهل تشیع در هم می آمیزد تا نگاره ها و ازاره ها و کنگره های هر ساختمانی را به نیکو وجهی مجسم سازد. انسان فقط گوشت و پوست نیست، قلب انسان خدای خانه است معمور. و احساس انسان کرانی ندارد، و چون می دانیم که: «ان الله جمیلٌ و یحبُّ الجمالَ»، پس زیبایی و قلمرو زیبایی و مباحث زیبایی شناسی را در تأثیر تشیع بر ابنیه و اماکن مذهبی به آسانی در می یابیم.

هر صحنه که باشد خیر از کشتن مظلوم آن صحنه نشان از خط خون بار حسین است.

پی نوشت:

[۱]. Sociology of Co _ operation.

[۲]. Georges Gurviteh

منبع: جابر عناصری؛ فصلنامه شیعه شناسی

[https://farsi.al-shia.org/%d8%aa%d8%a3%d8%ab%db%8c%d8%b1-%d8%aa%d8%b4%db%8c%d8%b9-%d8%a8%d8%b1-%d8%a7%d9%85%d8%a7%da%a9%d9%86-%d9%88-](https://farsi.al-shia.org/%d8%aa%d8%a3%d8%ab%db%8c%d8%b1-%d8%aa%d8%b4%db%8c%d8%b9-%d8%a8%d8%b1-%d8%a7%d9%85%d8%a7%da%a9%d9%86-%d9%88)

%d8%b2%db%8c%d8%a7%d8%b1%d8%aa%da%af%d8%a7%d9%87-
%d9%87%d8%a7%db%8c-%d8%a7%db%8c%d8%b1%d8%a7/